

هنگامی که کار نادرستی مرتکب شدید، افسوس راستین خود را نشان دهید و بگذارید دیگران بفهمند که از این کار خود پشیمان و آشفته هستید.

www.mandegardaily.com

سال هشتم شماره ۱۹۴۲ شنبه ۲۵ جدی ۱۳۹۵ ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۳۸ ۱۴ جنوری ۲۰۱۷



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

عزیزی بانک
Azizi Bank



معترضان در برابر سفارت پاکستان:

سفارت پاکستان در کابل لانه جاسوسی است

موضوع



واکنش برخی استادان و دانشجویان به اظهارات معاون دانشگاه هرات:

دانشجوی بی حجاب نداریم!

موضوع

عوامل اصلی
ناکامی پروسه
صلح
نبود اراده
سیاسی و دخالت
خارجی است

موضوع

پاکستان کی د تروریستی ډلو فعالیت د افغانستان امنیت گواښي



ماتیس:

موضوع

عطا محمد نور:

عبدالحکیم مجاهد

باید دستگیر و محاکمه شود



عبدالحکیم مجاهد، عضو شورای عالی صلح و نماینده سابق طالبان در امریکا طی سخنانی، طالبان را فرشته‌های صلح دانسته، احمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور را بغاوت‌گر نامیده و استاد ربانی، شهید صلح را عامل نابسامانی‌های کشور معرفی کرده است.

پس از انتشار این سخنان، شهروندان کشور واکنش‌های تندی از خود نشان داده و خواهان محاکمه او شده‌اند.

در این راستا، عطا محمد نور والی بلخ و رییس اجرایی حزب جمعیت اسلامی افغانستان نیز با صدور بیانیه‌یی، خواهان دستگیری و محاکمه این عضو شورای عالی صلح و یار دیرین طالبان شده است.

آقای نور، اظهارات عبدالحکیم مجاهد را غیرمنطقی و به دور از عقلانیت یک عضو شورای عالی صلح دانسته که به باور او، نشان می‌دهد ما نیازمندیم پیش از رفتن به مصاف دشمن در خطوط نبرد، دشمنان مردم را در از درون نظام تصفیه کنیم.

آقای نور افزوده است: وقتی عضو یک نهاد مهم برای صلح، آنانی را که هرروز مردم بیگناه ما را به خاک و خون می‌نشانند، فرشته‌های صلح می‌نامد و به شهید صلح و قهرمان ملی کشور بی‌حرمتی می‌کند، باید جایگاهش پشت میله‌های زندان باشد، نه مقام اعزاز.

به باور آقای نور: "هنوز خون شهدای کابل، قندهار و هلمند نخشکیده است که یک مزدورمنش با تفکر گندیده و بوگین‌اش، عاملین مرگ مردم را فرشته‌های صلح می‌خواند و از جنگ آنان به قداست یاد می‌کند. کجاست آن وارثین جبهه مقاومت و مدعیان راه شهید صلح و قهرمان ملی که از نام آنان به ثروت و قدرت دست یافتند و اینک در لاک سکوت، سقوط کرده‌اند؟"

او از حکومت و شخص رییس‌جمهور خواسته است تا با توجه به احکام قوانین کشور، حفظ امنیت ملی، احترام به شهید صلح و قهرمان ملی و حرمت به نیروهای امنیتی و قداست نبرد آنان، عبدالحکیم مجاهد را دستگیر و به پنجه قانون بسپارند، در غیر آن، مردم اقدام خواهند کرد و پاسخ دندان‌شکنی به او خواهند داد.

سیگار:

طالبان از نظامیان افغانستان سلاح خریداری می‌کنند

نیروهای امنیتی افغانستان در حال حاضر آماده‌گی کامل برای برقرار امنیت در این کشور را ندارند.

اداره سیگار می‌افزاید: دولت افغانستان باید امنیت را در سرتاسر کشور به درستی برقرار کند تا این کشور مبدل به پناهگاه امن برای گروه‌های تروریستی نشود.

جان سپکو، رییس دفتر سیگار گفته است، چالش‌ها برای بازسازی افغانستان در سال ۲۰۱۷ میلادی در این کشور نگران کننده است.

آقای سپکو گفته که کنترل دولت در در حال حاضر نسبت به سال گذشته از ۷۲ درصد به بیش از ۶۳ درصد کاهش یافته و این موضوع بیانگر بدتر شدن وضعیت در افغانستان است.

سیگار یا اداره بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا در امور بازسازی افغانستان در تازه‌ترین گزارش خود می‌گوید که مدارکی در دست دارند که نشان می‌دهد، طالبان از نظامیان افغانستان سلاح خریداری می‌کنند.

مسئولان سیگار در این گزارش هم‌چنان مدعی‌اند که کنترل دولت افغانستان بر خاک این کشور نسبت به سال گذشته از ۷۲ درصد به ۶۳ درصد کاهش یافته است.

سیگار با نشر گزارشی تازه هم‌چنان می‌گوید که نیروهای امنیتی افغانستان توانایی تأمین امنیت کشورشان را به طور کامل ندارند.

مسئولان اداره سیگار در تازه‌ترین واکنش خود گفته‌اند:

گروه‌های تروریستی به شمار می‌رود.

در بخش دیگر از گزارش سیگار آمده است که میزان پرداخت رشوه در افغانستان بیشتر از میزان عایدات دولت است. جان سپکو گفته است: "اکنون بخش بزرگی از مردم افغانستان به این باور رسیده‌اند که پرداخت رشوه جزئی از زنده‌گی‌شان است، در سال گذشته میلادی میزان پرداخت رشوه، بیشتر از درآمد دولت از منابع عایداتی مانند گمرکات، مالیات و تعرفه‌ها بوده است."

در گزارش سیگار آمده است که این موضوعات، چالش‌ها را برای بازسازی این کشور جدی ساخته و اکنون دولت افغانستان نیز در موقعیت نیست که به گونه کامل فساد را از بین ببرد.

در این گزارش هم‌چنان آمده است، مدارکی وجود دارد که گروه طالبان به قیمت خیلی پایین‌تر توانسته‌اند، تجهیزات نظامی و اسلحه‌های امریکایی را از عساکر افغانستان به دلیل پایین بودن قیمت آن خریداری کنند.

در گزارش این اداره آمده است که حکومت امریکا هنوز هم حقوق هزاران سرباز، معلم و کارمند خیالی را در افغانستان پرداخت می‌کند.

در گزارش جدید سیگار آمده است که پول مالیه دهنده‌گان امریکا هنوز هم با پرداخت حقوق کارمندان خیالی به هدر می‌رود و با وجودی که این کشور بیش از ۱۱۵ میلیارد دالر در افغانستان هزینه کرده، هنوز هم وضعیت این کشور بهبود نیافته است.

سیگار در گزارشش گفته است، با وجودی که نیروهای امنیتی افغانستان پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند، اما هنوز هم نمی‌توانند امنیت کشور خود را به تنهایی تأمین کنند.

به باور مسئولان سیگار، تلاش‌های امریکا برای کاهش تولید مواد مخدر نیز ناکام بوده است. جان سپکو می‌گوید: "با وجودی که امریکا بیش از هشت میلیارد دالر برای محو مواد مخدر در افغانستان مصرف کرده، اما هنوز هم این پدیده بخش بزرگی از تأمین مالی

احمد عمران



سخن ماندگار

اظهارات کاکای رییس جمهور و معاون شورای عالی صلح از کجا سرچشمه می گیرد؟

دیگر هیچ چیز برای پنهان بودن باقی نمانده و این که چه کسانی در این نظام از تروریسم حمایت می کنند نیز بسیار آشکار شده است. این چهره های نفوذی در نظام، همواره به کمک نیروهای طالبان می شتابند و با انتحاریان همکاری دارند و در به خاک و خون کشانیده شدن مردم افغانستان، یا دست دارند و یا از آن حمایت می کنند. نمونه بارز آن، همین یکی از جاسوسان سازمان استخباراتی پاکستان به نام ملا حکیم مجاهد، در لباس معاون شورای عالی صلح است که در مطابقت با اهداف جنرالان و سیاستمداران استیلاگر پاکستانی حرف می زند.

او باری بعد از اعلام خبر مرگ ملا عمر آن هم سه سال بعد از قتل یا وفاتش، در کنار چند عضو رهبری طالبان در کابل، برای او فاتحه گرفت. و حالا هم در محفلی در کابل در برابر همین دولت قرار گرفته و طالبان را فرشته های نجات می خواند.

او بارها چنین اظهاراتی داشته است. مسلماً نمی بایست یکی از معروف ترین چهره های طالبان، در چنین موقف بلندی از شورای عالی صلح قرار می گرفت؛ اما از آنجایی که بحث صلح افغانستان، یک بازی استخباراتی و پروژه یی است، چنین گزینشی نیز مشمول این بازی می باشد.

در گذشته نیز این جنس اشخاص، بارها از طالبان حمایت کرده و به دفاع از آنان سخن گفته اند. البته سخن گفتن کسی به نفع طالبان را نمی شود مستقیم جرم پنداشت؛ اما فعالیت های این چنینی به نفع یک گروه تروریستی که همیشه مردم را به خاک و خون می کشاند و دست نشاندۀ استخبارات پاکستان و حلقه های مافیایی منطقه است را می شود یک جرم و خیانت آشکار تلقی کرد.

از واقعیت نگذریم که این تنها ملا مجاهد طالب نیست که از موقف شورای عالی صلح، به عنوان سخنگوی طالبان عمل کرده؛ بلکه در این نظام کسان دیگری هم هستند که یک سره به عنوان سخنگویان طالبان عمل می کنند. از دیگران که بگذریم، کاکای رییس جمهوری یکی از این کسان است که بارها به عنوان سخنگوی طالبان شناخته شده است. او در حالی که یکی از مهم ترین سمت های دیپلماتیک کشور را به عهده دارد، بارها از طالبان به عنوان فرشته های نجات و فرزندان واقعی وطن یاد کرده و این به معنای آن است که کسانی که در برابر طالبان قرار دارند، به باور او فرزندان صدیق وطن نیستند و بنابراین باطل اند.

یقیناً وقتی از آدرس سفیر افغانستان در مسکو که در عین حال کاکای رییس جمهور است و حیثیت پدر را برای او دارد و نیز از آدرس معاون شورای عالی صلح اظهارات طالب نوازانه به گوش می رسد، به این نتیجه می رسیم که طالب پروری یک بازی و استراتژی خاص در کشور است که ریاست جمهوری نیز در موافقت با آن قرار دارد. و مسلماً وقتی چنین نتیجه گیری بی ریا قبول کنیم، این نتیجه ضمنی را نیز پذیرفته ایم که این دولت در کنترل غیرمستقیم طالبان قرار دارد و این بدترین خبر ممکن برای مردم افغانستان است!

اما اگر این تحلیل نادرست است و رییس جمهور با اظهارات کاکایش و نیز با اظهارات معاون شورای عالی صلح موافق و هم صدا نیست، باید بلافاصله هر دو مقام را از سمت های شان برکنار کند. زیرا اظهارات این دو مقام، در واقع در دشمنی با نیروهای امنیتی ما و مردم افغانستان است که همه روزه خون می دهند و جان می بازند تا کشور را از شر پاکستان محفوظ نگه بدارند. همچنین هر توهینی که از طرف این چهره ها نسبت به قهرمان ملی کشور که سید محکمی در برابر هجوم پاکستان شد و نیز سربازان شجاع و قهرمانان که اکنون در برابر طالبان می جنگند، صورت می گیرد؛ فقط به اشاره پاکستان و دشمنان این وطن قابل تعبیر و محاسبه است. بنابراین مردم افغانستان انتظار دارند که آقای غنی، به عنوان رییس جمهور کشور، قاطعانه در این باره واکنش نشان بدهد. دیده شود که رییس جمهور، کدام خط و صف را انتخاب می کند و اظهارات کاکای او و معاون شورای عالی صلح از کجا سرچشمه گرفته است.

رازهای پشت پرده

حملات روز سه شنبه

این افراد می بودند، چنین حمله یی را در موقعیت و زمان دیگری نیز می توانستند انجام دهند. پس مشخص است که هدف این حمله، مهمانانی بوده اند که در این محل حضور داشتند. اما پرسش این جاست که طالبان چرا بخواهند مقام های کشور امارات متحد عربی را بکشند؟

امارات متحد عربی از معدود کشورهای منطقه است که در زمان حاکمیت طالبان، حکومت این گروه را به رسمیت شناخته بود و تا امروز نیز روابط خصمانه یی با این گروه نداشته است. بارها مقام های طالبان پس از سقوط شان به این کشور سفر کرده و بارها هم مقام های این کشور میزبان نشست هایی با شرکت گروه طالبان و مقام هایی از دولت افغانستان بوده اند.

نکته با اهمیت در حمله به مهمان خانه والی قندهار می تواند این باشد که در روزهای پسین، این شهر شاهد یک رشته تغییرات و رفت و آمدهای طالبان و برخی افراد دخیل در قضایای افغانستان بود. گفته می شود که چندی پیش، والی این شهر نشستی را با حضور یک تعداد شخصیت های بانفوذ قومی و مذهبی، به شمول شماری از مقام های پیشین طالبان که حالا در کابل به سر می برند، برگزار کرده بود. مسلماً این نشست نمی تواند به دور از چشم و دستور ارگ صورت گرفته باشد. بر اساس گفته های برخی منابع، در این نشست جمعی از طالبان از آن سوی مرز نیز حضور داشته اند که با تغییر چهره در این گردهمایی شرکت ورزیده بودند. برخی منابع حتی از حضور ملا یعقوب پسر ملا عمر رهبر پیشین گروه طالبان در این نشست خبر می دهند.

در همین حال، گفته می شود که بر اساس برخی طرح های افشا نشده میان حلقه های حکومت و طالبان، قرار است که مناطقی در جنوب و به ویژه قندهار، هلمند و ارزگان به این گروه واگذار شود تا آن ها بخشی از نیرو و امکانات خود را وارد افغانستان سازند.

این که در چنین طرحی، منافع پاکستان چقدر می توانست با خطر روبه رو شود و کشورهای عربی و از جمله امارات در آن

سه شنبه هفته گذشته را در افغانستان باید «سه شنبه خونین» نام نهاد. نه تنها به دلیل جنایات هولناکی که در این روز در سه شهر بزرگ کشور؛ کابل، قندهار و هلمند صورت گرفت، بل به دلیل نوع حملات و پیام هایی که از آن ها می توان استنباط کرد.

در رویداد کابل که نزدیک به پنجاه تن کشته و بیش از هشتاد تن دیگر مجروح شدند، ظاهراً هدف دو حمله انتحاری در نزدیک پارلمان کشور، نیروهای امنیتی بودند؛ اما مشخص است که سازمان دهنده گان حملات کابل، هدف هایی فراتر از حمله به نیروهای امنیتی را داشتند. آن ها در نخست شورای ملی کشور را به عنوان نهاد قانون گذار و مردمی مورد حمله قرار دادند و در گام دوم، تلاش کردند که مقام های ارشد امنیتی کشور را که در کمیسیون دفاعی مجلس نماینده گان حضور یافته بودند، آماج قرار دهند. در همین حال، آن ها این حملات را در یکی از حساس ترین مناطق کابل که تحت شدیدترین تدابیر امنیتی قرار دارد، صورت دادند.

وارد شدن به خیابان دارالامان، کار ساده یی نیست و نشان می دهد که حمله کننده گان به این محل منتقل شده اند. حمله به مهمان خانه والی قندهار نیز در نوع خود کم پیشینه و دارای ابعاد دیگری است که هرچند با حملات کابل و هلمند قابل مقایسه نیست، ولی نشان می دهد به دلیل هم زمانی این حملات، باید از محل واحد دستور آن ها صادر شده باشد.

در حمله به مهمان خانه والی قندهار که میزبان سفیر امارات متحد عربی بود، پنج دیپلمات این کشور و جمعی از مقام های محلی قندهار به شمول معاون والی این ولایت کشته شدند. هرچند طالبان مسوولیت حمله دارالامان کابل را به عهده گرفتند، ولی از پذیرفتن حمله به مهمان خانه والی قندهار اجتناب ورزیدند، در حالی که مقام های کشور مدعی اند که این حملات در کوئته پاکستان طراحی شده است.

هدف حمله قندهار به هیچ صورت نمی تواند مقام های محلی این شهر باشد؛ زیرا مخالفان مسلح اگر در پی کشتن

چقدر دخیل بوده اند، هنوز اطلاع موثقی در اختیار نیست؛ ولی بدون شک تصادم منافع میان این دو کشور در منطقه وجود دارد و احتمال برده می شود که حمله به مهمان خانه والی قندهار، به این مسایل پشت پرده ربط دارد. به هر حال، پیامی را که سازمان دهنده گان حمله به مهمان خانه والی قندهار می خواستند به طرف های خود برسانند، رساندند و حالا باید منتظر پاسخ از جانب مقابل باشیم.

در این که افغانستان به میدان نبرد استخباراتی میان برخی کشورهای قدرتمند منطقه و جهان تبدیل شده، هیچ جای شک نیست و بارها در این خصوص از سوی مقام های کشور و دیگر کشورهای جهان حرف هایی زده شده است. حمله به مهمان خانه والی قندهار از این بُعد می تواند زنگ خطری برای درگیری ها و تصادم منافع در آینده نه چندان دور میان این قدرت ها باشد.

این نوشته را نمی خواهم بدون پرداختن به یک نکته طنزآمیز به پایان ببرم: پس از حمله قندهار، رییس جمهوری فوراً هیأتی را به سرپرستی حنیف اتمر مشاور شورای امنیت ملی کشور برای بررسی این حمله به قندهار فرستاد. فرستادن مشاور شورای امنیت به قندهار نیز نشان می دهد که معنای حمله به مهمان خانه والی این شهر برای مقام های کشور، چیز دیگری سواى حملات کابل و هلمند بوده است. آقای اتمر پس از بررسی های مقدماتی در مورد حمله قندهار، در یک نشست خبری گفت که نوع مواد منفجره یی که در این حمله مورد کاربرد قرار گرفته، نشان می دهد که چنین موادی در داخل افغانستان نمی توانسته تولید شود و این مواد در خارج از کشور تولید شده است.

به چنین کشف خارق العاده یی! باید احسنت و هورا نثار کرد؛ اما به کاشف بزرگ آن نیز باید گفت: آیا دیگر مواد انفجاری و سلاح هایی که در افغانستان استفاده می شوند، در شهرک صنعتی کابل تولید می شوند که مواد انفجاری قندهار در بیرون از افغانستان ساخته شده باشند؟

معرضان در برابر سفارت پاکستان:

سفارت پاکستان در کابل لانه جاسوسی است

شبکه حقانی و شورای کویته را به "دادگاه ملت افغانستان" بسپارد.
در قطعنامه آمده است: "طالبان با حمایت مادی، تکنیکی/تکنیکی و سیاسی ارتش و سازمان استخبارات پاکستان، مرتکب قتل عام مردم افغانستان می‌شوند. دست‌داشتن ارتش پاکستان، شماری از مدارس مذهبی این کشور و احزاب افراطی پاکستانی در حمایت از طالبان نیز آشکار است."

طالبان به عنوان گروه تروریستی جهانی و محاکمه رهبران این گروه در دادگاه لاهه از دیگر خواست‌های معترضین از جامعه جهانی بود.

پاکستان پیش از این بارها از سوی مقامات بلندرتبه حکومت نیز متهم به حمایت از طالبان شده، اما این کشور همیشه این ادعاها را رد کرده است.

افزون بر این، حملات روز سه‌شنبه هفته گذشته در افغانستان، واکنش‌های جهانی در پی داشت. وزارت خارجه آمریکا ضمن تقبیح این حملات گفته است که برای از بین بردن تروریسم، همکاری مشترک افغانستان، پاکستان و هندوستان ضرورت است.

هم‌چنان، وزارت خارجه روسیه گفته است، از هدف قراردادن دیپلماتان، مردم بیگانه و نمایندگان مجلس افغانستان متأثر هستیم و این جنایات را به شدت محکوم می‌کنیم.

سخنگوی وزارت خارجه روسیه اظهار داشت: پیام دولت روسیه واضح و علنی است، ما با تمام بازمانده‌گان قربانیان و زخمیان ابراز همدردی می‌کنیم و خواستار تأمین امنیت و صلح در افغانستان هستیم.

در حین حال، مجلس سنا حمله بر کارمندان پارلمان را حمله بر مردم‌سالاری نوپای کشور خواند و آن را شدیداً محکوم کرد. مجلس نمایندگان نیز در ادامه، حملات اخیر را کار جاسوسان خارجی در نهادهای دولتی خواندند و از مسوولان حکومت وحدت ملی و نهادها امنیتیخواست تا آنان را افشا، بازداشت و به نهادهای عدلی بسپارند.



کنند، شما اگر به مرزهای تان حاکمیت داشته باشید، تروریستان نمی‌توانند به کشورتان داخل شوند."
احمدالدین شریفی، تظاهر کننده دیگر باور دارد که شواهد کاملاً واضح است، پاکستان در حملات تروریستی در کشور دست داشته و این کشور حامی تروریسم است. او می‌افزاید: از جامعه جهانی می‌خواهیم تا تحریم‌هایی را علیه حکومت پاکستان وضع کند تا آی‌اس‌آی از گروه‌های تروریستی حمایت نکند.

تظاهر کننده‌گان هم‌چنان در اخیر تظاهرات‌شان با پخش قطع‌نامه‌یی از جامعه جهانی خواستند تا نقش پاکستان را در حمایت از تروریسم قبول کرده و بر حلقات خاص در این کشور، تحریمات را وضع کنند. در قطع‌نامه معترضین از سفارت پاکستان به‌نام "سازمان جاسوسی پاکستان" یاد شده و از این کشور خواسته‌شده که دست از جنایت و حمایت از جنایت بردارد و سرده‌های گروه‌های تروریستی مانند

کشته‌شدن شهروندان و به ویژه نیروهای امنیتی کشور که برای تأمین امنیت کشور شب و روزشان را یکی کرده‌اند، خاموش نشینند و از پاکستان در سازمان‌های بین‌المللی شکایت کند.

در سویی دیگر، محمد صابر مجتبا، یکی از تظاهر کننده‌گان دیگر از پاکستان به عنوان کشور "حامی تروریسم در منطقه" یاد کرده گفت که آی‌اس‌آی پاکستان به‌صورت مستقیم در حمایت طالبان و سایر تروریستان دست دارد.

آقای مجتبا در ادامه بیان داشت که پاکستان مدارس دینی را در مرزهایش با افغانستان ایجاد کرده و با آموزش و تجهیز تروریستان، می‌خواهد در عملی کردن اهدافش به حکومت فشار وارد کند.

به گفته آقای مجتبی: "گله و انتقاد ما از پاکستان یک‌سو، اما حکومت ما را بیشتر ناامید می‌کند، مسوولیت تأمین امنیت شهروندان مربوط حکومتیان است، آنان نباید تنها با تسلیت‌گفتن و تقبیح‌کردن حملات بسنده

صدهاتن از شهروندان کابل دیروز (جمعه، ۲۴ جدی) در واکنش به حملات انتحاری اخیر در کابل، قندهار و هلمند، در برابر سفارت پاکستان دست به تظاهرات زدند.

تظاهر کننده‌گان که با شعارهای «سفارت پاکستان لانه جاسوسی است» و «آی اس آی قاتل مردم افغانستان است»، به خیابان ریخته بودند، گفتند که پاکستان یگانه کشوری در منطقه است که به تروریستان پناه داده و از آنان به عنوان ابزار سیاسی استفاده می‌کند.

آنان با بلندکردن شعارهای «کشتار بس است. ما صلح می‌خواهیم» گفتند که پاکستان مقصر اصلی «حملات تروریستی» در افغانستان است، اما حکومت و نهادهای امنیتی باید مسوولیت‌شان در برابر مردم را درک کرده و متوجه شهروندان‌شان باشد.

روز سه‌شنبه هفته گذشته شهرهای کابل، قندهار و هلمند شاهد سه رویداد مرگبار بود که در این رویدادها، بیش از ۱۵۰ تن کشته و زخمی شدند.

حمله نخست در برابر الحاقیه پارلمان در کابل رخ می‌دهد. یک حمله کننده انتحاری خود را به درب ورودی الحاقیه پارلمان منفجر می‌سازد و به دنبال آن، موتور پُر از مواد منفجره‌اش نیز به صدا در می‌آید، جان بیش از ۴۰ تن را می‌گیرد و بیش از ۸۶ تن دیگر را زخمی می‌کند.

ساعتی پس از این رویداد، بمب جاگذاری‌شده در مهمان‌خانه والی قندهار انفجار می‌کند که به دنبال آن، ۱۲ تن به شمول معاون والی قندهار، ۵ دیپلمات امارت متحده عربی، یک عضو مجلس نمایندگان و یک سناتور کشته و ۱۴ تن دیگر که والی قندهار نیز در میان‌شان است، زخمی می‌شوند.

طالبان مسوولیت حمله به الحاقیه پارلمان و شبکه حقانی مسوولیت حمله به مهمان‌خانه والی قندهار را به عهده گرفته‌اند.

رامش خراسانی، یکی از معترضان به روزنامه ماندگار گفت: ما به‌خاطر ارج‌گذاری و ادای مسوولیت نسبت به شهدای حادثه اخیر و سایر شهدای کشور به ویژه نیروهای امنیتی آمده‌ایم تا به حکومتیان و جهانیان بگوییم که ما قاتل هم‌شهریان خود را می‌شناسیم.

آقای خراسانی در ادامه صحبت‌هایش بیان داشت: بارها دیده شده که بعد از هر حمله تروریستی در افغانستان، سرخ آن از پاکستان برآمده است، اما نمی‌دانم چرا مقامات پاکستان از این همه قتل و کشتار بی‌گناهان سیر نمی‌شوند.

این شهروند از حکومت می‌خواهد تا نسبت به

حمید فرهادی

مسوولان دانشگاه هرات، اخیراً اعلامیه‌یی را به نشر سپرده‌اند که باعث واکنش‌های تند شماری از استادان، دانشجویان و کاربران شبکه‌های اجتماعی شده است.

حسن فرید، معاون علمی دانشگاه هرات سه روز پیش در یک اعلامیه گفته است: «پس از این، بی‌حجابی در دانشگاه هرات قابل پذیرش نیست و دانشجویانی که حجاب اسلامی را رعایت نکنند، از صنف‌های درسی اخراج می‌شوند».

این اعلامیه معاون علمی دانشگاه هرات، واکنش‌های بی‌شماری را به همراه داشته است. شماری از این گفته‌های آقای فرید استقبال کرده و شماری هم آن را سخن بی‌بنیاد، ناسنجیده و اظهار نظر شخصی دانسته و گفته‌اند که اظهار نظر شخصی را نباید به نهاد علمی دانشگاه هرات ربط داد.

شماری از دانشجویان دانشگاه هرات گفته‌های معاون علمی این دانشگاه را بی‌بنیاد می‌خوانند و می‌گویند که بهتر است مسوولان دانشگاه به‌جای پرداختن به موضوعات بی‌بنیاد روی لوحه دانشگاه و کیفیت درسی توجه کنند.

فایزه ابراهیمی، یکی از دانشجویان دانشگاه هرات می‌گوید: «برای من به عنوان یک دانشجوی بانو قابل قبول نیست که کسی برایم خط مشی پوشش تعیین کند. خودم وقتی از میان هزارها نفر وارد این محیط شدم، می‌دانم چگونه رفتار کنم و چه نوع پوششی داشته باشم».

فرید احمد سالم دانشجوی دانشکده حقوق می‌گوید: «استفاده کلمه بی‌حجاب توسط معاون علمی دانشگاه شرم‌آور است و امیدوارم که دانشگاه هرات موقف رسمی خود را در این پیوند اعلام کند و آقای فرید در این رابطه توضیح بدهد».

از سویی هم، شماری دیگر از دانشجویان نیز این اظهار نظر معاون علمی دانشگاه را، باعث بدنامی دانشگاه هرات می‌خوانند و می‌افزایند که از آغاز سال تاکنون برای چندمین بار است که مسوولان دانشگاه باعث

واکنش برخی استادان و دانشجویان به اظهارات معاون دانشگاه هرات:

دانشجوی بی‌حجاب نداریم!



شخصی دارد و اظهار نظرهای شخصی افراد را نباید به نهاد مربوط نسبت داد، مگر اینکه از آدرس رییس یا سخنگوی یک نهاد سخنی به نشر رسیده باشد.

این استاد دانشگاه‌ها ادامه سخنانش می‌گوید: «از افرادی که کاسه داغ‌تر از آتش برای حجاب بانوان در دانشگاه هرات شده‌اند خواهش مندم خون‌سردی خود را حفظ کنند».

فیصل کریمی، استاد دانشگاه هرات نیز می‌گوید: «ما در دانشگاه هرات دانشجوی دختر بی‌حجاب نداریم که برای‌شان دستور بدهیم تا با حجاب بیایند. طی هشت سالی که در دانشگاه هرات درس می‌دهم، هیچ‌گونه تصمیمی در این زمینه گرفته نشده؛ چون مشکلی وجود نداشته و هنوز ندارد».

آقای کریمی می‌خواهد که ریاست دانشگاه هرات و یا روابط عمومی دانشگاه برای رفع این اتهام‌ها و دشنام‌ها در خبرنامه‌یی موقف رسمی دانشگاه را بیان کند تا این فضای آشفته و پر از دشام و توهین به این نهاد رفع شود.

اما آقای حسن فرید، معاون علمی دانشگاه هرات در پاسخ به این واکنش‌های دانشجویان و استادان دانشگاه هرات در صفحه فیسبوکش نوشته‌است: «منحیت یک مسلمان به بدحجاب و بی‌حجاب (البته تعریف از حجاب نیز باید داشته باشیم) که تأثیر منفی در فرهنگ اسلامی و افغانی دارد، در کل به خصوص در نهادهای آموزشی مخالفم و طبق معمول با زر و زور و تزویر با مثلث خبیثه بیکاری، بی‌سوادی، بینادگرایی جدا مخالف هستم و مبارزه می‌کنم».

این نخستین باری نیست که دانشگاه هرات در سطح افغانستان خبرساز می‌شود. مخالفت‌ها بر سر نصب لوحه دانشگاه هرات، توقیف هم‌زمان چهار نشریه دانشجویی و اهانت یکی از مسوولان دانشگاه به شماری از دانشجویان معترض، برای چندمین بار باعث خبرساز شدن دانشگاه هرات شده و نام این نهاد علمی را برسرزبان‌ها آورده است.

دانشگاه خوانده و می‌گوید مسوولان دانشگاه نباید با چنین سخن‌های ناسنجیده و بی‌بنیاد خود، باعث بدنامی دانشجویان دانشگاه هرات شود.

در همین حال، شماری از استادان دانشگاه هرات، گفته‌های معاون علمی دانشگاه را اظهار نظر شخصی خوانده و تأکید کرده‌اند که در دانشگاه هرات دانشجوی بی‌حجاب وجود ندارد.

سهیلا عرفانی، رییس دانشکده ژورنالیزم دانشگاه هرات می‌گوید: هیچ احدی تاکنون از مسوولان دانشگاه در باره حجاب و نوعیت پوشش زنان و دختران در این مکان اظهار نظری نکرده است و قانون و محدودیتی برای پوشش وضع نشده است. خانم عرفانی هم‌چنان می‌افزاید: هر فرد حق نظر

بدنامی این نهاد علمی شده‌اند. هستی حسینی، یکی از دانشجویان دانشگاه هرات می‌گوید: «من تاکنون دانشجوی بی‌حجاب در دانشگاه ندیده‌ام و هیچ دختری هم تمایل ندارد که در جامعه سنتی افغانستان، با رعایت نکردن حجاب باعث حجب و حیای خود و خانواده‌اش شود».

این دانشجوی می‌افزاید: گفته‌های معاون علمی دانشگاه، در واقع به این نهاد اکادمیک یک اهانت به حساب می‌آید و بایست مسوولان دانشگاه سنجیده سخن بگویند تا باعث بدنامی دانشگاه هرات نشوند.

الیاناهامان یکی دیگری از دانشجویان دانشگاه هرات نیز، بی‌حجاب خواندن دانشجویان از سوی معاون علمی دانشگاه را ناسنجیده سخن‌گویی این مقام

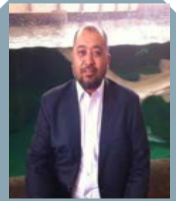


خاطره‌ی فراموش

ناشدنی

از شهید

مسعود



غلام رسول قرلق

با سقوط رژیم دکتر نجیب، آخرین رئیس‌جمهوری وابسته به اتحاد جماهیر شوروی و آزادی کشورهای اروپای شرقی و بعداً آسیای میانه و سایر کشورهای بلاک شرق همراه بود - مجاهدین به صورت نامنظم و بدون هماهنگی قبلی و آماده‌گی برای ایجاد یک رژیم قدرت‌مند به جای رژیم از بین رفته، وارد شهرهای بزرگ و از جمله پایتخت کشور گردیدند.

از یکسو رژیم در آخرین سال‌های حیات خود دست به ایجاد تشکیلات ملیشایی قومی در کنار تشکیلات نظامی زده بود و از سوی دیگر، دو کشور میزبان مهاجرین و مجاهدین (ایران و پاکستان) به‌ویژه پاکستان، نگذاشته بودند که مجاهدین تحت فرمانده واحد درآمده و سرنوشت سیاسی، اداری و نظامی خویش را پایه‌گذاری کنند و از طرف سوئی، ایالات متحده آمریکا رقیب سرسخت (اتحاد جماهیر شوروی) را توسط مجاهدین از پای درآورده بود و دیگر نیازی به تنظیم و ترتیب صفوف آنان نداشت؛ از این رو آنان را به حالت خود واگذاشته و اگر ضرورتی هم پیدا می‌شد، از عینک پاکستان به رفع آن می‌پرداخت و کشورهای مقتدر دیگر نیز به تبعیت از آن رفتار داشتند.

در چنین فضای ناخوشایندی، هرکسی بر بخشی از کشور استیلا یافت و همه هست و بود کشور را به باد فنا داد. در این میان، شهید احمدشاه مسعود، وزیر دفاع دولت اسلامی نوبنیاد به رهبری شهید ربانی، وظیفه دفاع از پایتخت و دیگر شهرهای تحت قیمومیت دولت را برعهده داشت و چون ارتش و نظام عسکری از بین رفته بود، او ناگزیر بود که از طریق ایجاد تشکیلات ملیشه، نظام امور را تنظیم کند که تا حدودی این کار غیرممکن می‌نمود.

در فضای ملیشه‌سازی، افراد، احزاب و جهات مختلف می‌کوشیدند تا در چوکات وزارت دفاع تشکیلاتی داشته باشند و از این طریق، در پهلوی همکاری با نظام حاکم، قدرت خود را حفظ و زراندوزی کنند که داستان درازی دارد.

از میان این افراد و جهات، یکی هم ما باشنده‌گان ولسوالی شیخ‌علی ولایت پروان بودیم که به‌نوعی با نظام جدید سروکار داشته و دنبال تشکیلات نظامی می‌گشتیم. پس از سرگردانی‌های فراوان، در یکی از روزهای تابستان سال ۱۳۷۴، من و انجنیر صاحب عبدالنسیم - فعلاً مدیر اجرایی ولسوالی شیخ‌علی - محترم فرمانده لنگرخان، فرمانده امنیه اسبق ولسوالی، محترم مولوی صاحب خانجان، سابق معاون نماینده‌گی ولایتی جمعیت در پشاور، محترم ضابط صاحب عبدالامیر مشهور به حبیب‌الله خان، یکی از یاران نزدیک شهید مسعود و دو تن دیگر، خدمت شهید مسعود در منطقه چارمغزک سالنگ شمالی رسیدیم و پس از صرف نان چاشت و آدای نماز ظهر، فرصت ملاقات ما رسید. البته قبل از آن، با مسوولین دیگر امور - چون انجنیر صاحب واصل، فعلاً معاون اداره محیط زیست، و جنرال جیلانی خان - گفت‌وگوهای مفصلی را انجام داده و قناعت آنان را فراهم کرده بودیم.

ما هریک به نوبه خود، لاف و پتاق خود را زدیم و از داشته‌ها و توان‌مندی‌های خود نیز حرف‌هایی بیان کردیم (داشته‌ها و توان‌مندی‌های خیالی و مبالغه‌آمیز). او به‌دقت می‌شنید و برای ما فرصت داد که آنچه در دل داریم، خدمتش بازگو کنیم.

در ختم صحبت‌های ما درحالی که شانهاش را قدری بالا انداخت، گفت: "او شیخ‌علی‌گی‌ها! من شما را نسبت به خودتان خوب‌تر می‌شناسم و می‌دانم چه تعداد پرسونل و چه توان‌مندی‌هایی در اختیار دارید؟ ما در دولت اسلامی فیصله کرده‌ایم که برای هر ولسوالی درجه‌اولی که مکمل با دولت ایستاده‌گی داشته باشد، یک غنند مستقل منظور کنیم. اولاً، ولسوالی شما درجه‌اول نیست. ثانیاً، شما کل مردم شیخ‌علی نیستید. بالاتر از پنجاه درصد باشنده‌گان شیخ‌علی را اهل تشیع و کمتر از ۵۰ درصد آن را شما اهل تسنن تشکیل می‌دهید. ثالثاً، غنند مستقل شیخ‌علی را آقای حسین انوری نظر به ملحوظات سیاسی قبلاً برده است."

این سخنان به جای او دل از دل خانه ما کنده بود و گمان کردیم که نظر به دلایل موجهی که دارد، دیگر برای ما تشکیلی منظور نخواهد کرد.

اما با متانت و گشاده‌رویی، به حرف‌هایش چنین ادامه داد: "با وجود همه این معاذیر، من برای شما هم غنند مستقل را می‌دهم؛ زیرا شما یک اقلیت در آن‌جا قرار دارید که از سه طرف محاصره بوده و فقط از یک طرف راه فرار دارید. دنبال حزب، جمعیت و اتحاد نباشید. با هم همدلی و همدستی کنید تا از گزند حوادث نجات یابید. من برای شما سلاح و مهمات نیز می‌دهم تا از آن در حفظ و بقای خود استفاده کنید. من در جنگ‌ها از شما کمک نیروی بشری نمی‌خواهم."

این سخنان که گویی از ژرفای قلب ما گفته می‌شد، عملی شد. با منظوری غنند مستقل، چهار چین تانک نیز برای شیخ‌علی منظور فرمود.

یکی از حاضران مجلس ما پیشنهاد کرد تا کندک انجنیر ضمیر رزمیوش، سابق فرمانده حزب اسلامی در شیخ‌علی را که قبلاً فعال بود، در غنند مستقل فعلی مدغم کند، امر صاحب پاسخ داد: "با او [انجنیر ضمیر رزمیوش] کاری نداشته باشید، کار او با من است." این عضو مجلس ما نمی‌دانست که انجنیر ضمیر رزمیوش، قبلاً با جمعیت تعهد کرده که داستانش چنین است:

«انجنیر ضمیر رزمیوش که حالا حاجی نیز شده است، یک‌جا با استاد عبدالواحد قمچاقی، یکی دیگر از فرماندهان حزب اسلامی ولسوالی سیاه‌گرد دره غوربند، رفت‌وآمدهای منظمی به دارالانشای جمعیت اسلامی که مقر آن در هتل زنبق شهر کابل بود، داشت. دلیل این آموشدها، رأی‌زنی در مورد تعهد آنان با جمعیت از طریق مرحوم سید احمد رویین، سابق معین وزارت ترانسپورت و بعداً والی ولایت تخار و یکی از دوستان دوره مکتب تخنیک ثانوی و هم‌زمان دوره مبارزات سیاسی جناب محمدضمیر رزمیوش، بود که در مراسم

عروسی او در سال ۱۳۵۷ در شیخ‌علی نیز اشتراک ورزیده بود. رأی‌زنی آنان به نتیجه رسید و پس از تأییدی استاد شهید و شهید مسعود، در یکی از روزهای گرم تابستان سال ۱۳۷۳ با همراهی شهید دکتور عبدالرحمن و مرحوم سیداحمد رویین - درحالی که استاد سید عنایت‌الله شاداب، منشی جمعیت و این‌جانب در دفتر بودیم و چندتن دیگر در بیرون حضور داشتند - تشریف‌فرما شد و پس از انجام وضو، دست بر قرآن گذاشت و با جمعیت تعهد کرد. استاد عبدالواحد با جمعیت تعهد نکرد، اما تعهد کرد که از هیچ‌گونه همکاری و هم‌نوایی با جمعیت دریغ نمی‌ورزد. او سپس به حیث معاون وزارت صنایع خفیفه و مواد غذایی مقرر شد.

شهید مسعود بعداً در سفری که به ولسوالی شیخ‌علی جهت انجام مذاکره با عبدالکریم خلیلی، رهبر حزب وحدت در مورد گذار از حالت جنگ به حالت صلح و بعداً همسویی در مقابل یورش طالبان داشت، منزل الحاج انجنیر ضمیر رزمیوش را مأوای مناسبی برای اقامت خود اختیار کرد و حتا محافظینش را در خانه فرمانده لنگر خان گذاشته، از محافظین حاجی صاحب کار گرفت. این به معنای آن بود که مسعود در پهلوی توکل به خدا، به آقای رزمیوش اعتماد فوق‌العاده داشت.

با اشغال کابل توسط نیروهای طالبان به تاریخ پنجم میزان سال ۱۳۷۵ و عقب‌نشینی و پراکنده‌گی نیروهای وابسته به دولت از شهر کابل، نیروهای طالبان در ماه دلو ۱۳۷۵ به سرکرده‌گی شخصی موسوم به ملا عبدالواحد که در اصل از صاحب‌منصبان جناح خلق به رهبری جنرال شهنواز تنی بود، با همراهی شیرعلی دادوگ، یک‌تن از فرماندهان پشتون‌تبار حزب اسلامی در بامیان، به شیخ‌علی رسیدند. از زمان سقوط کابل به دست طالبان تا رسیدن آنان به دره شیخ‌علی، رویارویی دو طرف (مردم قرلق و کرم‌علی از یکسو و نای‌مان و دای‌کلان از سوی دیگر) که شکل مذهبی را گرفته بود، به حالت خود باقی بود، مرز میان دو طرف همان مرز قبلی منطقه سادات نوی بود که دیگر خرد و خمیر شده و به دو طرف تقسیم شده بودند.

سر دسته طالبان در مجلسی که در منزل الحاج انجنیر ضمیر رزمیوش دایر شده بود و در آن، همه سران و مسوولین اهل تسنن منطقه تجمع کرده بودند، بدون اطلاع قبلی و با کبر و غروری حالت و وضعیت منطقه، علاوه بر آن‌که مردم را خلع سلاح نکرد، شش چین تانک دیگر نیز بر چهار چین تانک قبلی افزود و حرفش این بود که: "وقتی که مسعود بر سر شما غیرت کرده است، ما کمتر از او نیستیم."

ملا عبدالواحد نیز محمد ضمیر رزمیوش را به حیث ولسوال و فرمانده محاذ شیخ‌علی تعیین کرد و سرنوشت اهل تشیع شیخ‌علی را به او سپرد.

پیش‌بینی شهید مسعود بعداً در ماه سرطان سال ۱۳۷۷، آن‌گاهی که نیروهای حزب وحدت به رهبری استاد عبدالکریم خلیلی، منطقه قرلق در ولسوالی شیخ‌علی را بعد از جنگ‌های طولانی به دست آوردند، ده‌ها نفر را کشتند، ده‌ها منزل مسکونی را به آتش کشیدند و...، تحقق یافت و طبق فرموده آن شهید، سه جهت در اختیار و کنترل نیروهای حزب وحدت قرار گرفت و فقط یک‌طرف که متصل به کوه‌های هندوکش است و در سمت شمال دره موقعیت دارد، برای فرار نیروهای رزمی و خانواده‌های مردم قرلق و کرم‌علی باز ماند و بس.

این چندمین بار بود که چنین حوادث هولناکی در طول جابه‌جایی قرلق‌ها در این منطقه صورت می‌گرفت. بار اول در زمان حکم‌روایی عبدالرحمن خان، بعداً در کشمکش‌های امیر حبیب‌الله خان کلکانی و نادر شاه، بعدتر در دولت اسلامی به رهبری شهید ربانی و نهایتاً در سال ۱۳۷۷، در زمان زمامداری گروه طالبان. این‌ها و ده‌ها حوادث دیگر که اگر فرصت میسر شد، در مورد آن‌ها یادداشت‌هایی خواهم داشت.

تمهید

مهدی اخوان ثالث شاعری بود «زبان‌آور» بدین معنی که بیش از دیگر امکانات بیان هنری، بر هنرمندی‌های زبانی تکیه داشت. زبان شعر اخوان از جهات گوناگون قابل بررسی است و این وارث قصیده‌سرایان کهن، در حوزه‌های واژه‌گان، ترکیبات و ساختار جمله بسیار بدایع دارد که پرداختن به همه در این مجال ممکن نیست. اما آن‌چه من در این‌جا می‌خواهم بر آن تمرکز کنم و البته فهرست‌وار نمونه‌هایی طرح کنم، بعضی شیرین‌کاری‌های زبانی است که در مسیر طنز تلخ شعر اخوان خوش افتاده و حلاوتی و ظرافتی در کلام ایجاد کرده است. بعضی از این هنرمندی‌ها در شعر شاعران پس از اخوان ثالث هم قابل ردیابی است. حالا این می‌تواند به تضاد باشد یا بر اثر مطالعه شعر اخوان و تأثیرپذیری از او.

۱

یکی از این هنرمندی‌ها نوعی قرینه‌سازی است، یعنی مصراع‌ی یا بیتی را در جایی دیگر از شعر تکرار کردن، با جابه‌جایی موضع یا رویکرد کلام. یک نمونه‌اش در شعر «سگ‌ها و گرگ‌ها» از کتاب «زمستان» رخ نموده است، آن‌جا که وقتی از زبان سگ‌ها روایت می‌کند، زوزه باد را به صدای گرگ تشبیه می‌کند و وقتی از زبان گرگ‌ها روایت می‌کند، برعکس:

آواز سگ‌ها:
 - «زمین سرد است و برف آلوده و تر هوا تاریک و توفان خشمناک است کشد - مانند گرگان - باد زوزه ولی ما نیک‌بختان را چه باک است؟»
 آواز گرگ‌ها:

- «زمین سرد است و برف آلوده و تر هوا تاریک و توفان خشمگین است کشد - مانند سگ‌ها - باد زوزه زمین و آسمان با ما به کین است؟»

نظیر این هنرمندی در شعر «کتیبه» از کتاب «از این اوستا» هم دیده می‌شود، آن‌جا که در ابتدای شعر و در زمان امیدواری، «شب شط جلیلی بود پر مهتاب» و در زمان نومییدی پایان شعر، «و شب شط علیلی بود». اما بهترین مورد آن به نظر من آن‌جاست که در شعر «مردم و مرکب» از کتاب «از این اوستا» شعر فردوسی را تضمین می‌کند. ما این بیت فردوسی را به یاد داریم که:

ز سم ستوران در آن پهن دشت زمین شد شش و آسمان گشت هشت یعنی چنان گردوخاکی به هوا شد که یک طبقه از زمین کنده شد و به طبقات آسمان افزوده گشت. و این از اغراق‌های خوب شاهنامه است.

اخوان هم در شعر «مرد و مرکب» آن‌جا که از تاختن آنان سخن می‌گوید، همین مضمون را در چند نوبت به کار می‌برد، البته با لحنی طنزآمیز.

در نوبت اول:
 خسته شد حرفش که ناگاهان زمین شد شش و آسمان شد هشت
 زان که زان‌جا مرد و مرکب در گذر بودند
 در نوبت دوم:
 گفت راوی: خسته شد حرفش که ناگاهان زمین شد پنج و آسمان نه
 زان‌که زان‌جا مرد و مرکب در گذر بودند
 در نوبت سوم:
 خسته شد حرفش که ناگاهان زمین شد چار و آسمان ده
 زان‌که زان‌جا مرد و مرکب در گذر بودند

۲

در آن مثال «سگ‌ها و گرگ‌ها» نوعی مناسبت کلام با گوینده را می‌دیدیم. اخوان در این کار استاد است و در مقام‌های گوناگون و از زاویه‌دیدهای مختلف، لحن‌های مختلفی از کلام را برمی‌گزیند. او بدون شک در این کار از پیشینیان خود بهره گرفته است، به‌ویژه از فردوسی و ایرج میرزا چنان که در مقالاتش گاهی به این ظرافت‌ها در شعر فردوسی و ایرج اشاره کرده است.

یکی از نمونه‌های خوب رعایت تناسب لحن کلام با مقام و زاویه دید، در شعر «میراث» از کتاب «آخر شاهنامه» است، آن‌جا که وقتی از تاریخ سخن می‌گوید، کلام به‌شدت باستان‌گرایانه می‌شود:

این دبیر گیج و گول و کوردل، تاریخ تا مذهب دفترش را گاهگه می‌خواست با پریشان‌سرگذشتی از نیاکانم بیالاید
 رعشه می‌افتادش اندر دست
 در بنان درفشانش کلک شیرین‌سلک می‌لرزید
 حبرش اندر محبر پُریقه چون سنگ سیه می‌بست

و بلافاصله پس از آن، در نقل قول از امیر، لحنی پادشاهانه می‌یابد:

- «هان! کجایی، ای عموی مهربان! بنویس

ماه نو را دوش ما با چاکران در نیمه‌شب دیدیم

مادیان سرخیال ما سه کُرت تا سحر زاید
 در کدامین عهد بوده است این چنین یا آن‌چنان، بنویس»
 تناسب لحن کلام با مقام سخن و شخصیت گوینده در شعر «مرد و مرکب» از کتاب «از این اوستا» در اوج است. به واقع بخش عمده‌ی از زیبایی این شعر، مدیون طبیعت گفتار در آن است. مثلاً آن‌جا که راوی ماجرا حتی باری عبارتی را به اشتباه نقل می‌کند و سپس بلافاصله آن را تصحیح می‌کند:

گفت راوی: ماه خلوت بود اما دشت می‌تابید
 نه خدایا، ماه می‌تابید اما دشت خلوت بود
 نمی‌توان گفت که علی معلم در مثنوی هجرت از این هنرمندی اخوان متأثر بوده است؟ آن‌جا که می‌گوید:

حوریب بر دامان سینا جایگاهی است
 نی نی، غلط شد، جایگاهی نیست، راهی است

۳

یکی از ویژه‌گی‌های طنز در شعر اخوان این است که شاعر کمتر آن را بروز می‌دهد. یعنی اگر طعنه‌ی در کلام هست، فقط با ساختار کلی عبارت و معنی کلام است که قابل فهم است. دیده باشید کسانی را که کاملاً جدی و حتا خشک سخن می‌گویند، ولی کلام‌شان از عمق طنزآمیز یا طعنه‌آلود است. اولین نمونه بارز آن در شعر «چاووشی» از کتاب «زمستان» است:

بهل کاین آسمان پاک
 چراگاه کسانی چون مسیح و دیگران باشد
 که زشتانی چو من هرگز ندانستند کان خویان
 پدرشان کیست

چند شیرین

کاری زبانه

در شعر

اخوان

محمدکاظم کاظمی

گرد
 مرد مردان مرد
 که به خود جنیب و گرد از شانه‌ها افشاند
 چشم بردراند و طرف سیلتان جنباند
 رو به سوی خلوت خاموش غرش کرد، غضبان گفت:
 - «های!
 خانه‌زادان! چاکران خاص!
 طرفه خرجین گهریفت سلیحم را فراز آرید.»

۴

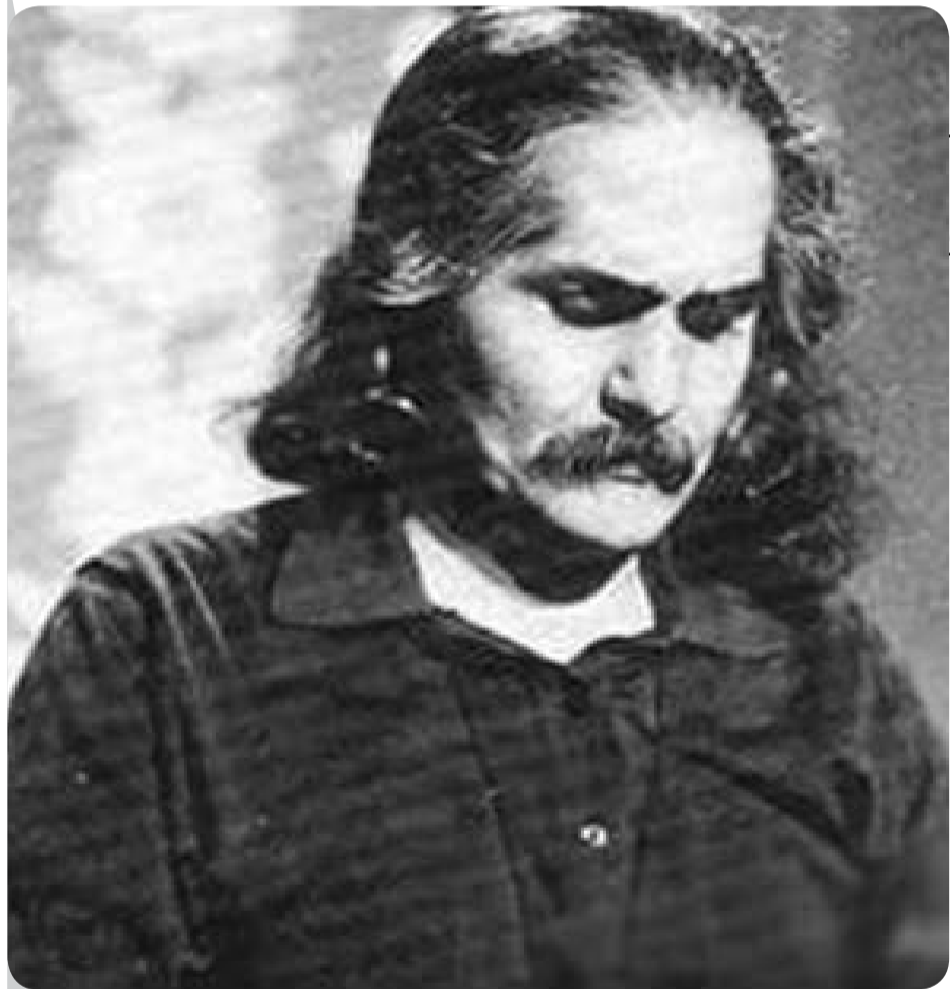
تضمین و تلمیح در شعر اخوان، بسیار است. بهترین تضمین‌ها و تلمیح‌های اخوان هم به گمان من در آن جای‌هاست که شاعر شعری را از مقام جد، در مقام طنز به کار می‌برد و به واقع این نه یک وام‌گیری ساده و بی‌خرج، بلکه یک کار هنری است. نمونه خوب این تضمین در شعر «میراث» است، آن‌جا که می‌گوید:

تا گشودم چشم، دیدم تشنه‌لب بر ساحل خشک
 کشفرودم
 پوستین کهنه دیرینه‌ام با من
 اندرون ناچار مالامال نور معرفت شد باز
 هم بدان‌سان کز ازل بودم
 شاعر به کلام سعدی اشاره دارد که «اندرون از طعام خالی دار / تا در او نور معرفت بینی» و آن‌چه به کلام او حلاوتی خاص می‌دهد، کلمه «ناچار» است.
 و تضمین هنری دیگر، همان است که در شعر مرد و مرکب و از بیت «ز سم ستوران...» فردوسی دیدیم.

هنرمندی را در خود دارد.
 گشت سارالله روی آسمان
 رد شود از کوچه رنگین‌کمان
 ملاحظه می‌کنید که ترکیب «سارالله» با استفاده از «سارالله» ساخته شده و در عین حال «سار» را یادآوری می‌کند یا در این بیت از مثنوی «جنگل انجیرها» از همان کتاب:
 گاه جنگ روس می‌بینم به خواب
 کوه کی کابوس می‌بینم به خواب
 این‌جا «کی کابوس» هم از «کابوس» یادآوری می‌کند و هم از کاووس‌شاه.

باری، دایره هنرمندی‌های زبانی اخوان ثالث بسیار گسترده است و این‌ها برای شاعران امروز بسیار سودمند می‌تواند بود. من خود وقتی به مجموعه آثار ناچیزم نگاه می‌کنم، رد پای بسیاری از این هنرمندی‌ها را در آن‌ها می‌بینم، به ویژه در شعرهایی که رنگ و بوی از طنز دارد و من در طنز، غالباً از اخوان و نیز ایرج میرزا متأثر بوده‌ام. در این چند بیت، شاید اثر هنرمندی‌هایی که از اخوان ثالث ذکر کردم، محسوس باشد.

الغرض ماییم بیداردل و سرهشیار
 خنجر از کف نگذاریم، مگر وقت فرار
 و این را بسنجید با این پاره از شعر «آخر شاهنامه»:
 دیده‌بانان را بگو تا خواب نفریبد
 بر چکاد پاسگاه خویش، دل بیدار و سر هشیار
 هیچ‌شان جادویی اختر،
 هیچ‌شان افسون شهر نقره مهتاب نفریبد



و در این‌جا:
 یک عده هم که پاک و شریف‌اند و سر به‌راه
 ناچار با کمال شرافت غنی شدند
 در این‌جا هم کاربرد طعنه‌آمیز صفت‌های «پاک و شریف» و هم کاربرد کلمه «ناچار» یادآور مثال‌هایی است که از اخوان در این مورد آوردم.
 و در این‌جا:
 اندرون هر یکی از معرفتی پُر دارند
 سر به یک - بی‌ادبی می‌شود - آخور دارند
 تضمین از شعر سعدی تا جایی که به نظر من می‌رسد، متأثر از اخوان است.

این‌ها موارد آشکار و روشن است و چه بسیار بهره‌های پنهان که از اخوان در شعرهای گوناگون بتوان ردیابی کرد که شرح‌شان به روایت اول شخص، شاید چندان پسندیده نباشد. همین مقدار هم که گفته آمد، به سبب حفظ امانت و ادای دین به مهدی اخوان ثالث بود و از آن مهم‌تر، یادآوری این نکته به جوان‌ترها که تا چه مایه می‌توان از این شاعر بزرگ، چیزها آموخت و در شعر خویش به کار بست.

۵
 یک هنرمندی دیگر که من در شعر اخوان فقط یک بار دیده‌ام ولی همان هم مهم است، تعویض یک کلمه در حین تضمین است. در شعر «آن‌گاه پس از تندر» در کتاب «از این اوستا» می‌خوانیم:
 در لحظه‌های آخر بازی
 ناگه زخم، همبازی شطرنج وحشتناک
 شطرنج بی‌پایان و پیروزی
 زد زیر فهقاهی که پشتم را به هم لرزاند
 دیدم که شاهی در بساطش نیست - گفستی خواب می‌دیدم -
 ملاحظه می‌کنید که شاعر تعبیر کنایی «آهی در بساط نداشتن» را به صورت «شاهی در بساط نداشتن» بازسازی می‌کند. گویا این «شاهی» در این‌جا هم خود «شاهی» است و هم «آهی».

این یک هنرمندی بسیار کارآمد است. اما تا جایی که من دیده‌ام در شعر اخوان هم کم رخ داده است و در شعر دیگران نیز. فقط احمد عزیزی در چند جای آن را آزموده است، از جمله در این بیت از مثنوی «نبش قلب» کفش‌های مکاشفه که خود نام مثنوی نیز همین

ماتیس:

پاکستان کی د تروریستی ډلو فعالیت د افغانستان امنیت گواښي



د امریکا دفاع وزارت ته د منتخب ولسمشر کاندید متقاعد جنرال جیمز ماتیس وایي، که د دفاع وزیر په توګه وټاکل شي، پر پاکستان به فشار راولي چې پر خپله خاوره د هغو ډلو فعالیت بند کړي چې د افغانستان امنیت ته گواښ پېښوي. جیمز ماتیس پروډنجنسې د دفاع وزارت لپاره د منتخب ولسمشر ډونالد ټرمپ د کاندید په توګه د سنا د پوځي خدماتو کمېټې تائید ترلاسه کړ او نن به د هغه پر کاندیدۍ عمومي رای گیری وشي. جیمز ماتیس همدا راز د افغانستان د حکومت او طالبانو ترمنځ د سولې د مذاکرو د بریالیتوب لپاره د سیمې د هېوادونو پر همکارۍ ټینګار وکړ. جیمز ماتیس د سنا استماعیه غونډې ته وویل، په پاکستان کې د تروریستانو ځالي هغه لویه ستونزه ده چې د افغانستان امنیتي ځواکونه ورسره مخامخ دي.

متقاعد جنرال ماتیس وویل:

"د افغانستان طالبانو ته په پاکستان کې موجودې ځالي او د حرکت ازادې، هغه مهمه عملیاتي مسئله ده چې افغان امنیتي ځواکونه ورسره مخامخ شوي دي."

جیمز ماتیس د سنا د پوځي خدماتو کمېټې ته وویل، د دفاع وزیر په توګه تر تائید وروسته پر ټولو لارو چارو غور وکړي چې د هغو افراطي ډلو پناه ځایونه له منځه یوسي چې د افغانستان امنیت او ثبات یې له خطر سره مخامخ کړي دي. هغه ټینګار وکړ چې په سیمه کې هېوادونه مسؤلیت لري چې په افغانستان کې د حکومت او د مخالفو ډلو ترمنځ د روغې د بهیر ملاتړ او مرسته ورسره وکړي.

متقاعد جنرال جیمز ماتیس زیاته کړه چې د سیمې هېوادونه باید پر افغان طالبانو او د هغوی پر ملګرو افراطي شبکو فشار راولي چې په افغانستان کې د تشدد روان کړی کمپاین پاي ته ورسوي. هغه وویل:

"موږ باید پاکستان وهڅوو چې د طالبانو او د

هم په مکرر ډول د پاکستان له حکومته غوښتنه کړي چې پر خپله خاوره د حقاني شبکې او نورو هغو افراطي ډلو د فعالیت مخنیوی وکړي چې په افغانستان کې امنیت او ثبات ته گواښ پېښوي. د پاکستان حکومت وایي چې له تروریسم سره مبارزې ته تعهد لري او په وزیرستان کې د وسله والو ډلو پر ضد د خپلو پوځي عملیاتو بری ته اشاره کوي.

خو د افغانستان حکومت پر پاکستان تور پورې کوي چې د نړیوالو سترګو ته خاورې ورشیندي او یوازې هغه وسله وال په نښه کوي چې د پاکستان پر ضد وسله فعالیت کوي.

جیمز ماتیس پروډنجنسې پر نړیوالو امنیتي مسئلو هم خبرې وکړې او وایي ویل چې دروسیې فعالیت نړیوال امنیت ته اوله درجه گواښ دی او دروسیې پر رهبرانو یې تور پورې کړ چې د نانو تروډ د ماتولو هڅې کوي.

په امریکا کې د قانون له مخې، هغه کسان چې د دفاع وزارت په لورو څوکیو مقررېږي، باید لږترلږه اووه کاله له پوځي خدمته لرې پاتې شوی وي.

دا قانون د امریکا د دفاع وزارت پر لورو څوکیو د ملګي واکمنۍ د ټینګولو لپاره را منځ ته شوی دی.

د امریکا سنا به نن د دفاع وزارت پر لورو څوکیو د پوځي وګړو د ماموریت په قانون کې د استثنی تر څنګ، د دفاع وزارت ته د جیمز ماتیس پر کاندیدۍ هم رایې ورکړي او غالباً هغه به تائید کړي.

د امریکا په دفاع وزارت کې پر لورو څوکیو د کار کولو لپاره د "اووه کاله غیر پوځي فعالیت" قانون په ۱۹۵۰ میلادي کال کې د جورج مارشال لپاره مات شوی و.

خو حتی د ډونالد ټرمپ یو شمېر سترو منتقدانو د جیمز ماتیس لپاره په قانون کې د استثنی ملاتړ کړی دی.

هغوی استدلال کوي چې د متقاعد جنرال ماتیس تجربه او شخصیت به پرمنتخب ولسمشر ډونالد ټرمپ چې د ملي امنیت په چارو کې تجربه نه لري، فشار راولي او ثبات به رامنځ ته کړي.

جیمز ماتیس ۶۶ کلن دی، څلور لسېزې یې د امریکا د متحدو ایالاتو په پوځ کې خدمت کړی او په ۲۰۱۳ میلادي کال کې تقاعد شوی دی.

له پاکستان سره د مرستو د مشروطولو په اړه جیمز ماتیس د یوې پوښتنې په ځواب کې څرګنده کړه چې پر ټولو امکاناتو به غور وکړي.

هغه وویل چې پاکستان ته ځینې سخت سبقونه ورکړ شوي خو بیا هم باید له خپل ګاونډي افغانستان سره زیاتې همکارۍ ته وهڅول شي. جیمز ماتیس زیاته کړه:

"که زه د امریکا دفاع وزیر وټاکل شم، د بهرنیو چارو له وزارت او کانګرس سره به ګډه کار وکړم چې پاکستان ته په هغو مواردو کې چې زموږ ملي امنیت او د سیمې امنیت ته مهمې دي، بدیل ورکړل شي او پردې به تمرکز کوو چې پاکستان هغه وسله والې ډلې چې د هغه هېواد پر خاوره فعالیت کوي، خنثی کړي یا وباسي."

د امریکا د ټولنکي ولسمشر بارک اوباما ادارې

حقاني شبکې پر ضد زیات اقدام وکړي." د جیمز ماتیس په وینا، له طالبانو سره د افغانستان د حکومت د روغې د بهیر ملاتړ په برخه کې د متحدو ایالاتو ټولې هڅې باید د امریکا د ملي امنیت له ګټو سره اړخ ولګوي او د افغانستان د حکومت خپلواکي باید پکې وساتل شي. نوموړي له طالبانو سره په مذاکرو کې د امریکا د ټولنکي ولسمشر بارک اوباما د درېو سرو کرښو ملاتړ وکړ او وایي ویل چې وسله والو طالبانو ته مخکې ویل شوي چې له القاعده سره باید اړیکې وشلوي، له تشدد لاس واخلي او د افغانستان اساسي قانون ته باید د درناوي په چوکاټ کې د هغه هېواد سیاسي بهیر ته ورګډ شي.

هغه وویل:

"زما په باور، دا له افغان طالبانو منطقي غوښتنې دي."

عوامل اصلی ناکامی پروسه صلح

نبود اراده سیاسی و دخالت خارجی است



هارون مجیدی

اساسی دوام جنگ و خشونت و مانعی برای صلح و ثبات در کشور، مطرح بوده است. به علاوه، ضعف و ناکارآمدی بسیاری از دولت‌های منطقه و حضور بازیگران بی‌دولت نیز (Non-state actors) بخشی از موانع رسیدن به صلح و دوام خشونت در منطقه، به ویژه در افغانستان بوده است. محمد قاسم وفايي زاده، پژوهشگر نهاد مطالعات استراتژیک افغانستان، پنج‌شنبه هفته گذشته، در یک نشست خبری گفت، بر پایه این پژوهش، نبود اراده جدی برای صلح از سوی امریکا، متحدانش و دولت افغانستان، ضعف در ساختارهای حکومت پیرامون صلح، دخالت کشورهای همسایه و نبود راهبرد و تعریف روشن از صلح، از عوامل بازدارنده عمده در روند صلح افغانستان بوده است.

آقای وفايي زاده افزود که این تحقیق در جریان هفت ماه و ضمن صحبت با ۳۲ شخصیت سیاسی و تأثیرگذار دخیل در روند صلح و جنگ تهیه شده است.

یافته‌های یک پژوهش تازه نشان می‌دهد که نبود اراده جدی سیاسی و دخالت خارجی، از عوامل عمده ناکامی تلاش‌های صلح در کشور بوده است.

بر بنیاد یافته‌های نهاد مطالعات استراتژیک افغانستان، جنگ در افغانستان به شکل بارزی متأثر از عوامل خارجی و داخلی است که در هر برهه و مرحله از منازعات در کشور، در تداوم جنگ و خشونت نقش داشته‌اند. اما از یک‌سو نوع و سطح دخالت این عوامل در طول چهار دهه با توجه به دینامیسم تحول و تداوم در سیاست‌های منطقه‌یی و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ و نیز پویایی جامعه و سیاست در افغانستان و نوع فراگرد تحول در داخل، متفاوت بوده است.

بر بنیاد یافته‌های پژوهشگران نهاد مطالعات استراتژیک افغانستان، در طول این چهار دهه، تداوم جنگ و مشکلات داخلی با منافع بیرونی به شکلی از اشکال گره خورده، درهم‌پیچیدهگی عوامل بیرونی و عوامل درونی کشور را در پی داشته و یکی از عوامل

فقر علمی در افغانستان

هیچ دانشگاه افغانستان در رده ۱۰۰۰ دانشگاه برتر جهان قرار ندارد



به دلیل عدم تولید آثار علمی و محدودیت در مراکز تحقیقی دانشگاه‌های افغانستان نتوانستند در فهرست ۱۰۰۰ دانشگاه برتر جهان راه یابند.

اخیراً روزنامه تایمز انگلستان، فهرست ۱۰۰۰ دانشگاه برتر دنیا را منتشر کرد که در این فهرست، دانشگاه‌های افغانستان وجود ندارد.

این تحقیق بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ توسط موسسه تایمز با همکاری چندین نهاد دیگر، بعد از مطالعه ۱۲ هزار جلد کتاب تحقیقی صورت گرفته است.

شماری از استادان دانشگاه هرات، نبود محصلین متخصص در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، عدم تولید آثار علمی و محدودیت مراکز تحقیقی دانشگاه‌های افغانستان را دلیل حضور دانشگاه‌های افغانستان در این فهرست عنوان می‌کنند.

این استادان می‌گویند که در این فهرست، بر علاوه دیگر کشورها ۸ دانشگاه‌های ایران، ۱۶ دانشگاه از هند و یک دانشگاه از پاکستان هستند اما از دانشگاه‌های افغانستان هیچ نامی برده نشده است.

در این رده بندی دانشگاه هاروارد امریکا با گرفتن ۱۰۰ امتیاز در جایگاه نخست، دانشگاه استنفورد امریکا با گرفتن ۹۸ نمره در درجه دوم، موسسه فناوری ماساچوست امریکا با ۹۷ نمره در مقام سوم، کامبریج انگلستان با ۹۶ نمره در جایگاه چهارم رار دارند.

به گفته پژوهشگر نهاد مطالعات استراتژیک افغانستان، این بررسی‌ها با در نظر داشت تنوع قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و توازن جنسیتی، روند مصالحه و آشتی ملی افغانستان صورت گرفته است.

آقای وفايي زاده خاطر نشان کرد که رفتن به نشانی‌های اشتباه به این معنا است که دولت افغانستان برای انجام گفت‌وگوهای صلح مستقیماً با گروه طالبان وارد بحث نشده، بلکه از نشانی پاکستان می‌خواهد با این گروه وارد گفت‌وگو شود.

به گفته او: گروه طالبان نیز مذاکرات مستقیم با دولت افغانستان را بارها رد کرده و خواهان مذاکره با ایالات متحده امریکا شده‌اند.

آقای وفايي زاده افزود: هر دو طرف به نشانی‌های اشتباه رفته و به همین دلیل طی پانزده سال اخیر تلاش‌های صلح در افغانستان به نتیجه نرسیده است. او گفت که یکی از عوامل دیگر ناکامی‌ها در تلاش‌های صلح، وضع شرایط سنگین و درک طرف مقابل است.

این پژوهشگر هم‌چنان گفت: دولت افغانستان و گروه طالبان به عنوان دو طرف مذاکره کننده، شرایط خیلی سنگینی را برای آغاز مذاکرات وضع کرده و تاکنون ناگزیری‌های هم‌دیگر را درک نکرده‌اند.

این پژوهش بر پایه یافته‌های خود به دولت پیشنهاد کرده است که باید تلاش‌های متمرکزی برای آغاز گفت‌وگوهای مستقیم میان دولت و طالبان صورت گیرد.

پژوهش نهاد مطالعات استراتژیک افغانستان همچنین به دولت افغانستان پیشنهاد کرده است که دیپلماسی روشن و فعالی را در ارتباط با طرح‌های منطقه‌یی صلح دنبال کرده و از سیاست انفعال و انتظار عبور کند.

این پژوهش آورده است که مهم‌ترین مسأله، ظهور گروه‌های بسی تندروتر و خشن‌تر مانند داعش در افغانستان است که با دیپلماسی فعال نباید اجازه داده شود تا جریان‌های افراطی و خشن، با تقسیماتی از قبیل پدیده غربی یا شرقی، احیا کننده جنگ نیابتی از نوع جنگ سرد آن، میان قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی شوند.

فیسبوک نامه

سریا بها،



نامه سرگشاده به بانوی نخست کشور خانم رولا غنی، تو که یک مادر هستی! این نامه را از سوی مردم نفرین شده‌یی به تو می‌نویسم که بدبختی به وسعت غیرقابل تصویری، در زنده‌گی بی‌پناه‌شان بیداد می‌کنند... به عظمت تردیدناپذیر اندیشه طالبانی همسرت سوگند، همین حالا که این نامه را به تو می‌نویسم، باز انفجاراتی توسط برادران همسرت، تن صدها جوان را به خاک و خون افکنده است و مادران بی‌نواشان مویه‌کنان خاک بر سر و روی می‌پاشند و فریاد دلخراش‌شان تا عرش خدایی می‌رسد، منهای عرش ریاست جمهوری... احساس بدبختی می‌کنم، قلبم صد پاره می‌شود، آیا تو که بانوی نخست کشور، زن و مادر دو فرزند هستی و هرروز گواه مرگ صدها جوان نوشگفته، چگونگی خواب‌های خوشت پریشان نمی‌شود؟ اگر شبی در کاخ ریاست جمهوری کابوسی ببینی که پسرت طعمه انفجارات نابه‌هنگام برادران پدرش شده است و خون جوان و گرمش روی برف‌های سپید زمستان نقش بسته است، آن‌که چه احساسی خواهی داشت، آیا فریادت تا عرش خدایی نخواهد رسید؟ و حسرتاً که آقای رییس‌جمهور هم در واکنش به این فاجعه سترگ، تنها به واژه (تسلیم و تقبیح) اکتفا کند و راه چاره نجوید، چون پروژه اربابان باید با خون جوانان ما آبیاری شود و فردا هم دخترت قربانی یک انفجار دیگر شود، به تازه‌گی ژرفای این فاجعه را در خواهی یافت، دیگر زنده‌گی، ارگ، ۱۵۰ میلیون دالر امریکایی برایت معنایی نخواهد داشت، دیگر درد و رنج را خواهی شناخت، دیگر فریاد کران‌ناپذیر مادران این سرزمین نفرین شده به گوشت خواهید رسید.

اما نه، به خدا اشتهاب کردم. این احساس عمیق به درد شما نمی‌خورد، به چه دردتان می‌خورد؟ این کشور سرزمین تو نیست، سرزمین شوهرت هم نیست، چون از امریکا صادر شده و سرزمین فرزندان هم نیست، پس دلهره برای چه؟ پرنس و پرنسس شما دور از انتخار و انفجار با هزینه خون جوانان داخل کشور در خارج زنده‌گی افسانوی دارند، اما در این خراب‌آباد که آقای رییس‌جمهور با نظام ارباب رعیتی بر مثنی رعیت گرسنه و پابرنه فرمان می‌راند، باید مردم چوب سوخت این پروژه باشند، دیگر پدیده نامانوس وجدان و عواطف مادری و انسانی چه معنایی دارد؟ نه، نه، این فکر عمیق به درد شما نمی‌خورد، به چه دردتان می‌خورد؟ می‌دانی بانوی نخست، آیا سرنوشت دردناکی که نصیب زنده‌گی مردم ما شده، صرفاً زاییده یک امر تصادفی است؟ مگر زنده‌گی جز ترادف تصادفات، چیز دیگری هم هست؟ بلی هست...

سمیع حامد



امروز در فرودگاه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (شهر مزارشریف) در صف ایستاده بودیم تا گذرنامه‌ها بازرسی شوند. بار اول یک افسر کسی را بدون نوبت آورد تا گذرنامه‌اش بدون واریسی تاپه زده شود. گذرنامه خارجی بود. بار دوم کسی که مشخص بود از زورمنندان است (زیرا مستقیم نزدیک غرفه بازرسی برای پذیرایی مهمانانش آمده بود)، دو نفر را صدا زد تا از آخر صف بیایند. آنان آمدند و بدون آن‌که گذرنامه‌هایشان واریسی شود، با دو تاپه گذشتند. من به عنوان یک شهروند اعتراض کردم. دو افسر گفتند: شما نباید به امور ما مداخله کنید. گفتیم: شما به امور ما مداخله کرده‌اید، حتا اگر از بی‌نوبتی چشم‌پوشی کنیم، این خیانت است که بدون واریسی، گذرنامه‌ها را تاپه می‌زنید. گفت: اینان دیپورتی بودند. گفتیم: عجب! دیپورتی‌هایی که گذرنامه خارجی دارند. کمی گفت‌وگو شد که نوبت من رسید. افسر گذرنامه مرا گرفت و واریسی کرده گفت: نشان، شصت شما را نشان نمی‌دهد! و چندین بهانه دیگر... من برآشفته‌تر شدم. یک افسر دیگر آمد و گفت: می‌بخشید اینان شما را نشناخته‌اند. گفتیم: چرا باید بشناسند تا قانون اجرا شود؟ حالا حیرانم از چه نهادی بخواهم جلو این مسایل را بگیرد؟ از حکومت فاسدی که هر نهادش یک فرودگاه دیگر است؟ از مسوولانی که خود زورسالاری را رایج ساخته‌اند و چنان مردم را ترسانده‌اند که اگر کار خود کسی بند نشود، جسارت دادخواهی نمانده است؟ از رسانه‌ها می‌خواهم این مسایل را پیگیری کنند و از شهروندان می‌خواهم در این موارد خاموش نمانند. هرچا بیداد دیدند، کم‌ازکم داد بزنند.

مرکل:

اروپا با بزرگ‌ترین چالش‌های دهه‌های اخیر مواجه است

صدر اعظم آلمان از شک روزافزون اروپاییان نسبت به اتحادیه اروپا خبر داده و این اتحادیه را با بزرگ‌ترین چالش‌های دهه‌های اخیر روبه‌رو دانست.

آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان روز گذشته در مراسمی در بروکسل که دکترای افتخاری از طرف دانشگاه‌های گنت و لوون به او اعطا شد، به مسأله نتایج سیاست اتحادیه اروپا در قبال مسایل پناهنده‌گان، مبارزه با ترور و سیاست دفاعی و امنیتی مشترک پرداخته و گفت: در این سه زمینه ارزش افزوده اقدامات اروپا به وضوح قابل مشاهده است. دانشگاه‌های گنت و لوون دکترای افتخاری را به دلیل نقش موثر مرکل برای حل بحران پناهنده‌گان اروپا به او اعطا کردند.

مرکل در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد که اروپا با بزرگ‌ترین چالش‌های چند دهه اخیر مواجه است. او با نگاهی به رأی انگلیسی‌ها به خروج از اتحادیه اروپا گفت: دقیقاً در این وضعیت، اما به نظر می‌رسد که شک و تردیدها به اتحادیه اروپا همواره بیشتر می‌شود. اما کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید این تصمیم انگلیس را به عنوان فرصتی استفاده کنند تا مشترکاً در این راستا کار کنند که اروپا را در کنار هم نگه دارند.

مرکل همچنین به شنونده‌گان این مسأله را یادآوری کرد که در همسایگی مستقیم اروپا فقر و بی‌ثباتی و اذیت و آزار سیاسی حاکم است. این ساده‌لوحانه است، ما بر این باور باشیم که این تحولات هیچ اثر مستقیمی برای جامعه ما ندارد.

مرکل از اروپاییان درخواست کرد که خود را برای قبول مسوولیت سیاست خارجی در کشورهای همسایه این اتحادیه آماده کنند. با توجه به تحولات در امریکا کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید یاد بگیرند در آینده مسوولیت بیشتری در دنیا بر عهده بگیرند. در روابط دو سوی آتلانتیک هیچ‌گونه تضمین ابدی برای همکاری‌های تنگاتنگ با ما اروپاییان وجود ندارد.

دیده‌بان حقوق بشر:

فروش سلاح به عربستان را متوقف کنید

دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی، توقف فوری فروش سلاح به عربستان را خواستار شد.

در این گزارش آمده است که نیروهای ایتلاف عربی به فرماندهی عربستان از مارچ ۲۰۱۴ با حمایت امریکا و انگلیس، عملیات نظامی را علیه حوثی‌ها و نیروهای هم‌پیمان با علی عبدالله صالح، رییس‌جمهور سابق یمن به راه انداخته و طی آن، به صورت غیرقانونی به منازل، بازارها، مدارس، کارخانه‌ها و مساجد یورش برده‌اند.

در ادامه این گزارش با استناد به دفتر کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل آمده است که تا اکتبر ۲۰۱۶ تعداد ۴۱۲۵ تن از شهروندان یمنی در این حملات کشته و تعداد ۶۷۱۱ تن دیگر زخمی شده‌اند که بیشترین دلیل آن حملات هوایی نیروهای ایتلاف بوده است.

براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر، طرفین درگیر در یمن، مکرراً قوانین جنگی را نقض کرده‌اند. همچنین این سازمان از ۶۱ حمله هوایی نیروهای ایتلاف به فرماندهی عربستان اطمینان حاصل کرده که ظاهراً غیرقانونی انجام شده و ممکن است، جنایت جنگی به شمار رود.

بنابر اعلام این سازمان، نیروهای ایتلاف همچنین از بمب‌های خوشه‌یی ممنوعه استفاده کرده‌اند. امریکا و انگلیس نیز درباره فروش این سلاح‌ها به عربستان اظهار نظری نکرده‌اند و این درحالی است که دلایل بسیاری وجود دارد مبنی بر این‌که عربستان در طول درگیری‌ها از آن‌ها استفاده کرده است.

در این گزارش آمده است که امریکا در سال ۲۰۱۵ با فروش سلاح به عربستان به ارزش ۲۰ میلیارد دالر موافقت کرده است. انگلیس نیز با فروش تسلیحاتی به ارزش ۴ میلیارد دالر به این کشور موافقت کرد.

داود اوغلو:

با اطلاع اردوغان، با گولن دیدار کردم

احمد داود اوغلو، نخست‌وزیر سابق ترکیه گفت که با آگاهی رجب طیب اردوغان، با "فتح‌الله گولن" شخصیت مخالف ترکیه‌یی مقیم امریکا ملاقات کرده است.

احمد داود اوغلو نخست‌وزیر سابق ترکیه در پاسخ به سوالات کمیته پارلمانی تحقیق درباره کودتای نافرجام ۱۵۵ جولای سال گذشته علیه رجب طیب اردوغان رییس‌جمهور کنونی ترکیه گفت که در زمان نخست‌وزیری اردوغان با آگاهی او - ملاقاتی با فتح‌الله گولن داشته است.

داود اوغلو در این جلسه درباره دیدارش با فتح‌الله گولن گفت: "در جریان ارزیابی که آن زمان با رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر و قبل از سفرم (به نیویورک) برای حضور در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ داشتم، به این نتیجه رسیدیم که بازگرداندن گولن به ترکیه و زیر نظر قرار دادن او - در چارچوب درخواست‌های گذشته - ضروری است، زیرا این ساختار به مرور زمان قابل سوءاستفاده محافل دشمن ترکیه به شیوه ای روز افزون شده است."

برپایه این گزارش، یک روزنامه ترکیه روز گذشته از اقدام نیروهای امنیتی ترکیه در بازداشت برادر احمد داود اوغلو، نخست‌وزیر اسبق این کشور در چارچوب تحقیقات درباره ارتباط او با جنبش "خدمت" و سپس آزادی او خبر داد. فتح‌الله گولن رهبری این جنبش را در دست دارد.



۱۵ توصیه رونالدو برای افزایش آمادگی جسمانی



کریستیانو رونالدو، از زمانی که در تیم منچستر یونایتد بازی می‌کرد، تاکنون تغییرات فیزیکی زیادی داشته است و آمادگی جسمانی او به نسبت آن روزها بسیار افزایش یافته است. او با روش‌های خاصی به این آمادگی رسیده است. به نقل از دیلی میل، رونالدو معتقد است که قدرت ذهنی به اندازه قدرت جسمی مهم است. او همچنین هدف‌مند بودن ورزش را بسیار مهم می‌داند. بسیاری از افراد علاقه دارند که آمادگی جسمانی مانند این فوتبالیست داشته باشند و تناسب اندام او را پیدا کنند.

مایک کنگ، مربی سابق یونایتد درباره رونالدو می‌گوید، رونالدو می‌تواند تا ۴۰ سالگی فوتبال بازی کند. اگر او آسیب ببیند، می‌تواند از پس آسیب‌دیده‌گی به راحتی بر بیاید. رونالدو ۱۵ راز خود را برای افزایش آمادگی جسمانی و سلامت را اعلام کرده است.

۱. یاد بگیرد که ذهن خود را به اندازه بدن‌تان تمرین دهید. قدرت ذهنی به اندازه قدرت جسم مهم است. این کار به شما کمک می‌کند که به هدف‌تان برسید.
۲. منظم باشید. انگیزه داشته باشید و برنامه خود را حتماً انجام دهید. برای من هیچ راهی وجود ندارد که آسان بگیرم. بنابر این، جدی هستم.
۳. برای خود هدف‌گذاری کنید. این کار سبب می‌شود که تمرکز داشته باشید.
۴. با یک دوست تمرین کنید. این کار سبب می‌شود که احساس رقابت داشته باشید و خودتان را به سمت هدف هل بدهید.
۵. خواب مناسب بسیار مهم است. من شب‌ها زود می‌خوابم و صبح‌ها زود بیدار می‌شوم، به خصوص قبل از مسابقات خواب به ریکاوری عضلات کمک می‌کند.
۶. گرم کردن درست بدن از آسیب‌دیده‌گی جلوگیری می‌کند، ورزش‌های کششی و قلبی عروقی به گرم کردن بدن کمک می‌کند. حتماً این نوع گرم کردن را داشته باشید. حتا اگر پیاده روی تردمیل یا دوچرخه باشد.
۷. ورزش‌ها را با هم تلفیق کنید. ورزش‌های قلبی-عروقی و قدرتی را با هم تلفیق کنید. این کار سبب می‌شود همه قسمت‌های بدن کار کند. همچنین این کار موجب افزایش جذابیت ورزش نیز می‌شوند.
۸. ورزش‌های شدید برای افزایش جریان خون مهم هستند. بهتر است در تمرینات دوی سریع داشته باشید.
۹. تمرینات قلبی-عروقی استقامت را افزایش می‌دهند. سعی کنید این تمرینات را در دوره ۳۰ دقیقه‌یی انجام دهید. به تدریج زمان را افزایش دهید.
۱۰. هرچا که هستید، ورزش کنید. می‌توانید حرکات شکمی را در اتاق خواب‌تان انجام دهید. حتا صبح‌ها که از خواب بیدار می‌شوید، حرکات شکمی انجام دهید. هرچقدر این کار را بیشتر انجام دهید، برای شما به عادت تبدیل می‌شود.
۱۱. ورزش خوب باید همراه با تغذیه مناسب باشد. من پروتئین و کربوهیدرات زیاد مصرف می‌کنم. به اندازه زیاد سبزی و میوه مصرف می‌کنم و از خوردن قند خودداری می‌کنم. من ماهی دوست دارم.
۱۲. آب کافی مصرف کنید. نوشیدن مقدار زیاد آب و نخوردن الکل بسیار مهم است.
۱۳. غذایی منظم داشته باشید. اگر به صورت منظم ورزش می‌کنید، به صورت منظم نیز باید به بدن سوخت‌رسانی کنید. می‌توانید در طول روز ۶ وعده غذایی کوچک داشته باشید.
۱۴. به هنگام ورزش، موزیک مناسب گوش دهید. این کار انگیزه شما را افزایش می‌دهد.
۱۵. مدیتیشن و ریلکسیشن داشته باشید. اگر زنده‌گی آرامی داشته باشید، بهتر می‌توانید ورزش کنید. من اوقات فراغت خود را با خانواده و دوستانم می‌گذارم. این کار آرامش من را افزایش می‌دهد.

Mandegar

هشت سال ریاست جمهوری اوباما

دو چپ‌هوله

باراک اوباما ۸ سال وقت داشت تا ایده‌های خود را عملی کند. کارش را از شهر آسمان‌خراش‌ها، شیکاگو شروع کرده بود. ایده‌ها و برنامه‌های بسیاری در سر داشت. ایده‌هایی که حکایت از یک آمریکای نوین داشتند. بر آن بود که آمریکایی عادلانه‌تر و رنگین‌تر بسازد. اما بسیاری از این ایده‌ها در پایان دوران زمامداری‌اش روی کاغذ ماندند و عملی نشدند. او در واپسین هفته‌ها همه تلاش خود را به کار گرفت تا جلوی زیان بیشتر را بگیرد.

آخرین سخنرانی رییس جمهور

اوباما روز سه‌شنبه ۱۰ جنوری، برای آخرین بار به عنوان رییس جمهور آمریکا سخنرانی خواهد کرد. نگرانی اصلی او در این واپسین لحظات آن است که دونالد ترامپ بسیاری از دستاوردهای او را نیست و ناپسند کند. اوباما به عنوان مرد عمل، حلال مشکلات و یک فرد انسان‌دوست پا به کاخ سفید گذاشته بود و حال با نگرانی‌های بسیاری کاخ سفید را ترک می‌کند.

او پس از ۸ سال زمامداری موفق نشد بسیاری از مشکلات را حل کند و ناگزیر به پذیرش شکست‌های متعددی در سیاست داخلی و خارجی شد. آیا اوباما رییس جمهور خوبی بود؟ یا یک رییس جمهور بد؟ علی‌رغم آرای که اوباما در انتخابات به دست آورد، بسیاری از محافظه‌کاران او را رییس جمهور بد و ناموفقی ارزیابی می‌کنند.

سیاست خارجی

در عرصه سیاست خارجی کارنامه اوباما هم حکایت از موفقیت‌های بزرگ دارد و هم از ناکامی‌ها. مهم‌ترین دستاورد دولت اوباما در عرصه سیاست خارجی توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران است.

دومین موفقیت سیاست خارجی دولت اوباما سرگیری مناسبات دیپلماتیک با کوبا بود. اما اوباما در خاورمیانه سیاست ناموفقی از خود به نمایش گذاشت. مذاکرات صلح بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان بی نتیجه ماندند. از جانب دیگر، پایان حضور نظامی آمریکا در عراق منجر به گسترش نفوذ نیروهای تروریستی و از جمله تقویت داعش در این کشور شد.

سیاست‌های ناپیگیر اوباما در سوریه باعث افزایش نقش روسیه در این کشور شد. اوباما ابتدا بشار اسد را تهدید به حمله نظامی کرده بود. سیاستی که عملاً اجرا نشد. بسیاری از منتقدان سیاسی اوباما بر این باورند که در اثر خطاهای سیاسی اوباما در سوریه، دولت این کشور با کمک روسیه و ایران موفق شده است بر بسیاری از مخالفان خود چیره شود و کنترل دولتی را بر بسیاری از نقاط و از آن جمله بر حلب احیا کند.

بحران اوکراین نیز باعث سردی و تیرگی مناسبات آمریکا و روسیه شد. تیرگی مناسبات دو کشور در جریان کارزار انتخاباتی آمریکا به اوج خود رسید. آمریکا روسیه را متهم به حملات هکری کرده و مدعی است که این کشور در انتخابات آمریکا مداخله کرده است. اوباما در واپسین روزهای زمامداری خود تحریم‌های گسترده‌ای علیه روسیه تصویب کرد و در همین رابطه اقدام به اخراج ۳۵ دیپلمات روسیه از خاک کشور خود نمود.

مبارزه با ترور

مهم‌ترین پیروزی اوباما در عرصه نبرد با تروریسم کشتن رهبر القاعده بود. در ماه مه ۲۰۱۱ در جریان یک حمله برنامه‌ریزی شده، آمریکا موفق به کشتن اوسامه بن لادن شد. اما شبکه القاعده پس از آن نیز به عنوان یک جریان تروریستی به حیات خود ادامه داد. پس از آن بود که گروه تروریستی داعش اعلام موجودیت کرد و به خطر اصلی برای کشورهای غربی بدل شد.

دولت اوباما برای مقابله با داعش از پهپاد بهره گرفت. اما حملات پهپادها باعث کشته شدن شماری از نیروهای غیرنظامی شد و از این رو انتقادهای

اوباما مایل بود که به ۴ میلیون از کسانی که به طور غیرقانونی در آمریکا زندگی می‌کنند، اجازه اقامت بدهد. اما این سیاست به خاطر مخالفت دادگاه عالی این کشور اجرایی نشد. اوباما در عرصه اقتصاد موفقیت‌های بسیاری داشت. او با تزریق ۸۰۰ میلیارد دلار به شرکایان اقتصادی آمریکا موفق به نجات صنایع خودروسازی کشور شد و نرخ بیکاری را از ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۴٫۶ درصد رساند. اما تلاش‌های دولت اوباما برای مقابله با بحران اقتصادی کشور و بهبود ناشی از سیاست‌های پولی و مالی دولت او، منجر به بهبود وضعیت زندگی مردم آمریکا نشد. در زیر به رویدادهای بزرگ در دوران ریاست جمهوری اوباما اشاره شده است:

و سرانجام یک تغییر بزرگ

۲۳۰ سال از تاسیس دولت آمریکا می‌گذشت. روز ۲۰

بسیاری در پی داشت. از سوی دیگر، دولت اوباما با حملات هوایی خود از نبرد با داعش در عراق و سوریه حمایت کرد. در اثر مبارزه ائتلاف بین‌المللی علیه نیروهای داعش دولت عراق موفق شد بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مناطق تحت اشغال داعش را به تصرف خود در آورد. عقب‌نشینی داعش از عراق منجر به افزایش شمار حملات تروریستی در اروپا و آمریکا شد. یکی از وعده‌های دولت اوباما بستن زندان گوانتانامو بود. اوباما ظرف ۸ سال زمامداری خود موفق به اجرای این برنامه نشد. اما شمار زندانیان گوانتانامو در این مدت کاهش یافت و از ۲۴۲ زندانی به ۵۵ زندانی رسید. حال قرار است که ظرف روزهای آینده ۲۰ زندانی دیگر نیز آزاد شوند.

سیاست داخلی

اوباما به عنوان نخستین رییس جمهور سیاهپوست



بیمه درمانی

زمانی که اوباما به قدرت رسید بیش از ۱۵ درصد آمریکایی‌ها بیمه درمانی نداشتند. اوباما با اصلاح قانون بیمه این کشور کوشید بخش بیشتری از جامعه آمریکا را زیر پوشش بیمه درمانی قرار دهد. در پایان کار او موفق شده بود تعداد کسانی که فاقد بیمه درمانی هستند را به ۹ درصد کاهش دهد. ولی همین اصلاحات باعث افزایش عوارض بیمه در کشور شد.

جایزه صلح نوبل و حملات پهپادها

کمتر از یک سال از پیروزی اوباما می‌گذشت که کمیته نوبل جایزه صلح را برای تلاش‌های اوباما به او اهدا کرد. اما حملات پهپادها و کشته شدن غیرنظامیان در اثر این حملات انتقادهای بسیاری برانگیخت.

کشتن دشمن شماره یک

مهم‌ترین پیروزی اوباما در عرصه نبرد با تروریسم کشتن رهبر القاعده بود. در ماه مه ۲۰۱۱ در جریان یک حمله برنامه‌ریزی شده، آمریکا موفق به کشتن اسامه بن لادن شد. اما سازمان القاعده پس از آن نیز به عنوان یک جریان تروریستی به حیات خود ادامه داد.

بحران دیپلماتیک

بحران اوکراین نیز باعث سردی و تیرگی مناسبات آمریکا و روسیه شد. تیرگی مناسبات دو کشور در جریان کارزار انتخاباتی آمریکا به اوج خود رسید. آمریکا روسیه را متهم به حملات هکری کرده و مدعی است که این کشور در انتخابات آمریکا مداخله کرده است. اوباما در واپسین روزهای زمامداری خود تحریم‌های گسترده‌ای علیه روسیه تصویب کرد و در همین رابطه اقدام به اخراج ۳۵ دیپلمات روسیه از خاک کشور خود نمود.

اقامت قانونی برای مهاجران

اوباما مایل بود که به ۴ میلیون از کسانی که به طور غیرقانونی در آمریکا زندگی می‌کنند، اجازه اقامت بدهد. سیاستی که در اثر مخالفت دادگاه عالی این کشور اجرایی نشد.

پیروزی برای بار دوم

اوباما موفق شد در نوامبر سال ۲۰۱۲ برای دومین بار انتخابات آمریکا را به سود خود رقم بزند. او تلاش برای حفظ محیط زیست و حل مشکل مهاجران غیرقانونی را از جمله برنامه‌های دوره دوم ریاست جمهوری خود اعلام کرده بود.

بحران سوریه

سیاست‌های ناپیگیر اوباما در سوریه باعث افزایش نقش روسیه در این کشور شد. اوباما ابتدا بشار اسد را تهدید به حمله نظامی کرده بود. سیاستی که عملاً اجرا نشد. بسیاری از منتقدان سیاسی اوباما بر این باورند که در اثر خطاهای سیاسی اوباما در سوریه، دولت این کشور موفق شده کنترل خود را بر حلب احیا کند.

عادی سازی مناسبات با کوبا

عادی سازی مناسبات دیپلماتیک با کوبا یکی از موفقیت‌های بزرگ سیاست خارجی دولت اوباما بود. بسیاری از جمهوریخواهان مخالف عادی سازی مناسبات آمریکا با کوبا بودند.

توافق هسته‌ای با ایران

مهم‌ترین دستاورد دولت اوباما در عرصه سیاست خارجی توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران است.

درگیری‌های نژادپرستانه

اوباما به عنوان نخستین رییس جمهور سیاهپوست آمریکا تصمیم داشت از مشکلات نژادپرستانه در آمریکا بکاهد. اما در دوران زمامداری او حملات مرگبار پلیس آمریکا به شهروندان سیاهپوست بارها اعتراضات گسترده سیاهپوستان این کشور را به همراه داشت.

وعده بستن یک زندان

یکی از وعده‌های دولت اوباما بستن زندان گوانتانامو بود. اوباما ظرف ۸ سال زمامداری خود موفق به اجرای این برنامه نشد. اما شمار زندانیان گوانتانامو در این مدت کاهش یافت و از ۲۴۲ زندانی به ۵۵ زندانی رسید. حال قرار است که ظرف روزهای آینده ۲۰ زندانی دیگر نیز آزاد شوند.

ژانویه ۲۰۰۹، باراک اوباما به عنوان نخستین رییس جمهور سیاهپوست آمریکا وارد کاخ سفید شد.

بحران اقتصادی

اوباما در عرصه اقتصاد موفقیت‌های بسیاری داشت. او با تزریق ۸۰۰ میلیارد دلار به شرکایان اقتصادی آمریکا موفق به نجات صنایع خودروسازی کشور شد و نرخ بیکاری را از ۱۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۴٫۶ درصد رساند. اما تلاش‌های دولت اوباما برای مقابله با بحران اقتصادی کشور و بهبود ناشی از سیاست‌های پولی و مالی دولت او تأثیر تعیین کننده‌ای در وضعیت زندگی مردم آمریکا به دنبال نداشت.

آمریکا تصمیم داشت از مشکلات نژادپرستانه در آمریکا بکاهد. اما در دوران زمامداری او حملات مرگبار پلیس آمریکا به سیاهپوستان بارها اعتراضات گسترده سیاهپوستان این کشور را به همراه داشت. زمانی که اوباما به قدرت رسید بیش از ۱۵ درصد آمریکایی‌ها بیمه درمانی نداشتند. اوباما با اصلاح قانون بیمه این کشور کوشید بخش بیشتری از جامعه آمریکا را زیر پوشش بیمه درمانی قرار دهد. در پایان کار او موفق شده بود تعداد کسانی که فاقد بیمه درمانی هستند را به ۹ درصد کاهش دهد. ولی همین اصلاحات باعث افزایش عوارض بیمه در کشور شد.